




A Critical Approach to Rashidreza's View on Ziyarat of Graves in Comparison with Allameh Tabatabai's View

Hasan Ali Nowrouzi Azaraki  Assistant Professor, University of Holy Qur'an Sciences and Education, Qom, Iran

Ali Asghar Shoaie*  Assistant Professor, University of Holy Qur'an Sciences and Education, Qom, Iran

Hossein Moghaddas  Assistant Professor of Jurisprudence and Usul, Malayer Faculty of Quranic Sciences, Malayer, Iran

Abstract


Visiting the graves of righteous people and saints has always been of great interest, to the extent that many scholars have considered visiting the graves as Sunnah and have claimed consensus on its permissibility. On the other hand, Ibn Taymiyyah and some Islamic scholars, by following the Qur'anic verses and hadiths, have prescribed pilgrimage to graves, and the history of Muslims throughout the history of Islam has always questioned the legitimacy, but also the goodness of traveling for pilgrimage, the legitimacy of pilgrimages, and fatwas against it and following him, the Wahhabis and some Salafists promoted his thoughts and opinions; Among them is Mohammad Rashidreza who has defended his views in many cases of Tafsir al-Menar. This research with a descriptive-analytical method and with a critical approach to the views of the author of Tafsir Al-Menar and also emphasizing the foundations and thoughts of Allameh Tabatabai has come to the conclusion that the legitimacy of visiting graves is based on Qur'anic, narrative and rational evidence and the accusations of the author of Al-Menar based on takfir and Calling the Shias polytheists and considering the visitation of the people of the graves as heresy is not consistent with the appearances and content of the Qur'anic verses and narrations, and such religious attitudes and suspicions are caused by a lack of correct understanding of the fundamentals of Shia monotheism and the confusion of the attributes of the Supreme Being with divine mediators and manifestations in the arena of creation and legalization of the system of existence, and fanatical adherence to the principles of Ibn Taymiyyah and the Salafi school, and visiting the graves. It is one of the examples of remembering and honoring religious elders and paying attention to religious rites and the manifestation of God's worship, and there are many Qur'anic documents, narrations and historical evidences to support it.


Keywords: Tafsir-e al-Menar, Tafsir-e al-Mizan, Rashidreza, Allameh Tabataba'i, Ziyarat of Graves.


* Corresponding Author: shoaei114@gmail.com

How to Cite: Nowrouzi Azaraki, HA., Shoaie AA., Moghaddas, H. (2022). A Critical Approach to Rashidreza's View on Ziyarat of Graves in Comparison with Allameh Tabatabai's View, *Journal of Seraje Monir*, 13(44), 57-86.

رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا درباره زیارت قبور در مقارنه با دیدگاه علامه طباطبائی

حسنعلی نوروزی آزارکی  استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

علی اصغر شعاعی*  استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

حسین مقدس  استادیار فقه و اصول، دانشکده علوم قرآنی ملایر، ملایر، ایران

چکیده

زیارت قبور صالحان و اولیای الهی همواره مورد توجه بوده، تا جایی که بسیاری از علما زیارت قبور را سنت شمرده‌اند و بر جواز آن ادعای اجماع کرده‌اند. از سوی دیگر، ابن تیمیه و برخی دانشمندان اسلام، با پیروی از آیات قرآن و روایات، زیارت قبور را تجویز کرده‌اند و سیره مسلمانان در طول تاریخ اسلام همواره بر مشروعیت، بلکه استحباب سفر برای زیارت مشروعیت سفرهای زیارتی را زیر سؤال برد و به حرمت آن فتوا داد و به تبع او، وهابیان و برخی از سلفیان به ترویج افکار و آرای وی پرداختند؛ از جمله، محمد رشیدرضا است که در موارد متعددی از تفسیر المنار، به دفاع از دیدگاه‌های وی پرداخته‌است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد انتقادی به دیدگاه‌های صاحب تفسیر المنار و نیز تأکید بر مبانی و اندیشه‌های علامه طباطبائی به این نتیجه رسیده که مشروعیت زیارت قبور، مبتنی بر شواهد قرآنی، روایی و عقلی بوده‌است و اتهامات صاحب المنار مبنی بر تکفیر و مشرک خواندن شیعیان و بدعت شمردن زیارت اهل قبور، با ظواهر و محتوای آیات قرآنی و روایی همخوانی ندارد و چنین نسبت‌ها و تشکیک‌های مذهبی، ناشی از عدم درک صحیح نسبت به مبانی اعتقادی توحیدی شیعه و خلط اوصاف اولو‌هیت حق تعالی با واسطه‌ها و جلوه‌های الهی در عرصه تکوین و تشریح نظام هستی و پیروی متعصبانه از مبانی ابن تیمیه و مکتب سلفیه می‌باشد و زیارت اهل قبور از مصادیق یادکرد و بزرگداشت بزرگان دین و اهتمام به شعائر دینی و تجلی عبودیت پروردگار می‌باشد و مستندات قرآنی، روایی و شواهد تاریخی فراوانی، مؤید آن وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر المنار، تفسیر المیزان، رشیدرضا، علامه طباطبائی، زیارت قبور.

۱. مقدمه

یکی از راه‌های بزرگداشت مفاخر، صاحبان کرامت و کمال و معصومان^(ع)، زیارت قبور آنان است که موجب بقا و استمرار حیات علمی و معنوی آنان می‌گردد. زیارت، عامل پیوند نسل حاضر و نسل‌های آینده با نسل‌های گذشته و وسیلهٔ ارتباط روحی و معنوی با آنان است. خداوند در قرآن بارها از پیامبر خود خواسته‌است که از پیامبران و مردان بزرگ تاریخ یاد کند؛ آنانی که در راه خدا جهاد کرده‌اند و برای اعتلای کلمهٔ توحید، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. از اینرو، متکلمان و دانشمندان اسلامی، به‌ویژه فقهای شیعه و امامان مذاهب چهارگانهٔ مالکی، حنفی، شافعی و حنبلی دربارهٔ این مسئله بحث کرده‌اند و دربارهٔ آن آثار و کتاب‌های فراوانی نوشته شده‌اند و دلایلی بر مشروعیت و جواز آن بیان کرده‌اند. اما فرقهٔ وهابیت و برخی از اندیشمندان سلفی، از جمله محمدرشیدرضا، زیارت قبور را بدعت دانسته‌اند و مسلمانان را از داشتن چنین ارتباط معنوی محروم ساخته‌اند. اگرچه دربارهٔ زیارت، تحقیقات متعددی صورت پذیرفته‌است، اما تاکنون تحقیقی با رویکرد نقد نظریات رشیدرضا یافت نشد. برخی از تألیفاتی که در بحث زیارت قبور انجام شده، عبارت است از:

الف. *زیارت‌القبور*، اثر محمدبن عمر فخرالدین رازی، با شرح، تحقیق و ترجمهٔ احمد عابدی که در باب جایگاه و فلسفهٔ زیارت بحث‌های خوبی دارد.

ب. *کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام*، تألیف علی‌بن عبدالکافی تقی‌الدین سبکی که در ردّ دیدگاه‌های ابن تیمیه دربارهٔ تحریم زیارت قبر با دلایل قرآنی و روایی انجام شده‌است.

ج. *کتاب آیین وهابیت*، اثر استاد جعفر سبحانی که در ردّ آرا و اندیشه‌های وهابیت و سلفیه، به‌ویژه ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب نوشته شده که در آن به مباحث مختلفی، مانند مسجدسازی در کنار قبور صالحان، نماز و دعا نزد قبور، شفاعت، توسل و بزرگداشت موالید، و فیات و زیارت قبور پرداخته‌است.

د. کتاب *فلسفه زیارت و آیین آن*، اثر مرتضی جوادی آملی که درباره فلسفه، اهمیت و اهداف زیارت نوشته شده است.

همچنین، مقالات و کتاب‌هایی با عناوین عامی، مانند اکثر کتب تفسیری و غیر آن که مطالبی خوبی درباره ابعاد مختلف زیارت ارائه نموده‌اند و اما موضوع تحقیق حاضر، تطبیق دیدگاه دو مفسر با دو رویکرد شیعی و سلفی است و از این نظر، در نوع خود جدید به شمار می‌آید.

در ابعاد و جوانب مسأله زیارت قبور، اثرهای اخلاقی و تربیتی فراوانی نهفته است و باعث می‌شود که انسان در برنامه زندگی خود که در مواردی با غرور، جهل و غفلت قرین است، تجدید نظر کند و در مسئولیت‌های شدید خود در مقابل خدا و مردم، و وظایف فردی و اجتماعی تأمل جدی نماید و از خود کامگی‌های خود بکاهد (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۷۶: ۱۰۷). طبق نقل دانشمندان بزرگ اهل سنت، رسول اکرم^(ص) ضمن روایتی به این مهم اشاره فرموده است: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ» (ابن ماجه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۱۳). اگرچه صحت و استواری زیارت قبور به دلیل وضوح آن، نیازی به اقامه دلیل ندارد، اما در عین حال، در این پژوهش تلاش شده تا تبیین مفهوم زیارت و ابعاد و دلایل مشروعیت آن از قرآن و روایات، با رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا و تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی ارائه شود.

۲. مفهوم زیارت

زیارت از ریشه «زور» به معنای «میل به چیزی و عدول از آن» است و «زائر» را از آن نظر زائر می‌گویند که وقتی به زیارت کسی می‌رود، از غیر او عدول می‌کند و رو برمی‌گرداند (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق.، ج ۳: ۳۶ و شرتونی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۲: ۵۷۰). شاید برای همین، برخی گفته‌اند زیارت به معنای قصد، آهنگ و توجه است (ر.ک؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق.، ۲۶۰ و زبیدی، بی تا، ج ۶: ۴۷۷). فیومی می‌افزاید: «زیارت در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی آورد» (طریحی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۲: ۷۹۲) و

رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا دربارهٔ زیارت قبور...؛ حسنعلی نوروزی و همکاران | ۶۱

به کذب و دروغ هم «ژور» گفته‌اند (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۱۴ ق.: ۳۳۶ و جوهری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۷۳)؛ چراکه در واقع، مایل و منحرف از حق می‌گردد. به معنای میل پیدا کردن به چیزی و اعراض و عدول از غیر آن چیز می‌باشد (شرتونی: ۱۴۰۳، ج ۲، ۵۷۰). به نظر می‌رسد اصل این واژه همان گونه که ابن فارس می‌گوید، به معنای میل و عدول از چیزی است. در حقیقت، زیارت به دیداری اطلاق می‌شود که با یک میل، محبت، انس و اکرام همراه می‌باشد و از کلماتی همچون رؤیت و مشاهده که در آن‌ها فقط صرف دیدن مورد توجه است، جدا می‌شود.

زیارت در اصطلاح دینی تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی نسبت به مزور پیدا کرده باشد، تمایلی که با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (ر.ک؛ طریحی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۲: ۷۹۲). این معنا در مرتبهٔ برین و کامل خود، همانا اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی نسبت به مزور را با خود دارد (ر.ک؛ واعظ جوادی، ۱۳۹۶: ۱۹). علامه جوادی آملی نیز گفته‌است:

«اینکه بر ملاقات اولیای بزرگ، اطلاق زیارت شده، از آن روست که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۱۹).

گویا تنها موردی که قرآن این واژه را در این معنا استعمال کرده‌است، «ژرتم» در آیهٔ کریمه ﴿الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ (التکاثر / ۱-۲) است. از این رو، «هر کدام از قبایل که به مفاخرهٔ با یکدیگر پرداختند»، به سراغ قبرستان‌ها رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. بنابراین، قرآن کریم به سراغ کسی یا چیزی رفتن و دیدار کردن با او را «زیارت» نامیده‌است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۴).

۳. اهمیت زیارت و ارکان آن

مسألهٔ زیارت قبور بزرگان دین، به‌ویژه قبر مبارک حضرت ختمی مرتبت^(ص) در متون و منابع دینی از جایگاه بلندی برخوردار بوده‌است و از سوی پیشوایان دینی مورد توصیه و

تأکید قرار گرفته است، می توان گفت که اصل زیارت از آغاز آفرینش بشر مورد توجه انسان ها بوده است و با بررسی تطبیقی نسبت به این مسأله می توان به جنبه های عقلانی و فطری آن در طول تاریخ بشریت پی برد؛ چنان که اسلام که مجموعه کاملی از قواعد و آموزه های پیشرفته انسانی است، با در آمیختن قوانین خود با فطرت و عقلانیت، برترین نظریه ها را برای پیشرفت و سعادت بشر به ارمغان آورده است. در روایات، زائر مؤمن، زائر خدا به شمار آمده است و خداوند وعده فرموده که من به زیارت او می روم. این مطلب اهمیت دیدار مؤمنان با یکدیگر را می رساند (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۱۴: ۵۸۴).

مسأله زیارت و استحباب آن بر اساس آنچه که در منابع اصیل اهل سنت آمده، مقبول پیشوایان و بزرگان اهل سنت نیز قرار گرفته است. ابن ماجه و دارقطنی از رسول اکرم (ص) نقل کرده اند که «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَمَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي» یا «وَجَبَتْ لَهُ شِفَاعَتِي» (ابن ماجه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۲۶۸-۲۶۴ و دارقطنی، ۱۴۲۲ ق.، ج ۲: ۵۳۰) و در کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة، از علمای مذاهب اربعة نقل کرده است که: «زِيَارَةُ قَبْرِ النَّبِيِّ فَهِيَ مِنْ أَعْظَمِ الْقُرْبِ...» (جزیری، ۱۴۰۶ ق.، ج ۱: ۶۹۴-۶۹۹). در منابع تاریخی و روایی آمده است که پیامبر اعظم (ص) به زیارت قبر مادرش می رفت و گریه می کرد و می فرمود: «فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْمَوْتَ...» (نیشابوری، بی تا، ج ۲: ۵۵۹)؛ یعنی: «به زیارت قبور بروید که موجب یادآوری مرگ برای شما می شود». نووی در شرح این حدیث می نویسد: «... این حدیث در بسیاری از کتب مهم حدیثی آمده است و تمام راویانش ثقه می باشند و دانشمندان اجماع دارند که زیارت قبور برای مردان سنت است و در مورد زنان اختلافی است» (نووی، ۱۴۰۷ ق.، ج ۷: ۴۴-۴۷).

علامه طباطبائی در اهمیت و فلسفه وجودی زیارت قبور می فرماید:

«اگر مردم به زیارت قبور حضرات معصوم^(ع) می روند و با بوسیدن ضریح آن ها اظهار محبت و علاقه نسبت به آنان می نمایند و یا با تربت آنان تبرک می جویند، برای این است که این اعمال را مصادیقی برای تعظیم شعائر الهی می دانند و در این اعمال، به آیه شریفه ﴿...وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (الحج / ۳۲) استناد کرده اند» (طباطبائی، ۱۴۱۲ ق.، ج ۱۰: ۲۹۵-۲۹۶).

رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا دربارهٔ زیارت قبور...؛ حسنعلی نوروزی و همکاران | ۶۳

زیارت واقعیتهایی عینی و خارجی دارد که آثار و برکات وجودی فراوانی بر آن مترتب است و بر سه پایهٔ زیر استوار می‌باشد:

الف. زائر: شخصی است که میل و گرایش به چیزی و یا کسی دارد؛ یعنی دیدارکننده و کسی که گاه به دیدار یک شخصیت و یا حرم و زیارت می‌رود. در روایات، از زائران قبور و اولیای الهی ستایش شده است و توصیه شده که به زیارت زائر بروند و از او استقبال کنند و تهنیت گویند (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۹۹: ۳۰۲).

ب. مزور: یعنی شخص یا چیزی که میل به سوی اوست.

ج. خصیصه‌ای نفسانی به نام «گرایش قلبی» که با تکریم، تعظیم و انس گرفتن مزور همراه است.

بدیهی است که اگر هر یک از این ارکان سه‌گانه مختل شود، یا از واقعیت و عینیت تهی باشد، زیارت تحقق نمی‌یابد و هر چه ارکان سه‌گانهٔ فوق از بنیان و اساس محکم‌تری برخوردار باشد، حقیقت زیارت و آثار آن نیز عینی‌تر و ظاهرتر خواهد بود.

هر قدر زائر از معرفت، ایمان و کمالات وجودی والاتری برخوردار باشد و از طرفی، مزور شخصیتی ربانی و مؤثر در نظام هستی باشد، یا تصمیم و قصد با کمال معرفت، جدیت و ارادهٔ جزمی همراه باشد، قطعاً جلوهٔ کامل‌تری از زیارت عرضه می‌شود و تأثیرات چشمگیری خواهد داشت و برعکس، هر چه این ارکان سه‌گانه به ضعف و سستی گراید و از توان و صلابت لازم برخوردار نباشد، معنا و حقیقت زیارت و آثار آن نیز ضعیف و سست خواهد بود (ر.ک؛ واعظ جوادی، ۱۳۹۶: ۲۱).

۴. ارتباط زندهٔ زائر با مزور

از آنجا که روح (نفس) انسان، موجودی مجرد است و فنا و نابودی در آن راه ندارد، پس هرگز با مرگ نابود نمی‌شود، بلکه از جهانی کوچک به جهانی وسیع‌تر انتقال می‌یابد و در حقیقت، روح از زندان تن رها می‌گردد. بنابراین، حتی هنگامی که زائر تربت و محل دفن

بدن شخصی را زیارت می‌کند و با او ارتباط برقرار می‌سازد، این ارتباط از نوع ارتباط زنده با زنده است.

زائر که با وجود مادی و روحی خویش به سوی مزور می‌رود، از نفس مزور استمداد می‌طلبد، تا خیری را تحصیل، یا زیانی را دفع کند. نفس مزور نیز به سبب جدا شدن از عالم ماده و مشابَهتی که با عقول مجرد یافته‌است، منشاء اثر فراوان و کامل‌تری خواهد بود و چون زائر با جسم و جان به سراغ مزور رفته‌است، هم بهره‌های مادی می‌برد و هم فواید روحی (ر.ک؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۰ ق.: ۳۳۸).

به طور کلی، ارتباط با صالحان و اولیای الهی، دل و جان را می‌تکاند و صفت آز و طمع را از دل افراد می‌کاهد و دل‌های زائران را نرم و گوش‌ها را شنوا و چشم‌ها را روشن و بیدار می‌سازد (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۷۶: ۱۰۷). به همین دلیل، در آداب زیارت مرقد معصومان^(ع) و اولیای خداوند که از مراتب والای معنوی برخوردارند، توصیه شده‌است که زائر قبل از رسیدن به مزار، غسل توبه کند و با جاری ساختن اذکار بر زبان، زمینه یک زیارت صحیح را فراهم سازد (ر.ک؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ ق.، ج ۱۴: ۳۹۰).

۵. دیدگاه صاحب‌المنار درباره زیارت قبور

از دیدگاه شیعه و بسیاری از فرق و مذاهب اسلامی، هدف و فلسفه زیارت قبور، ارتباط معنوی زائر با مزور و استمداد از روح بلند او برای شفاعت خواهی و بهره‌مندی از مواهب معنوی اوست. صاحب‌المنار از آنجا که سلطه غیبی و عبادت را در همه ابعاد آن، شایسته خداوند می‌داند، به مخالفت با مسئله زیارت قبور پرداخته‌است و گویا در نظر وی، با این رفتار، نوعی از سلطه غیبی برای غیرخدا در نظر گرفته می‌شود و با این گونه اعمال، عبادت غیرخدا محقق می‌گردد. ایشان در تفسیر سوره حمد، به صراحت عبادت و استعانت را منحصر در خداوند دانسته‌است و با رد هر گونه سلطه غیبی و رای اسباب برای غیرخدا، بر عدم مشروعیت استمداد از اولیا تأکید کرده‌است و به مخالفت با مسئله زیارت قبور پرداخته‌است و زائران قبور صالحان را از مسیر توحید و عبودیت حق تعالی خارج

رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا دربارهٔ زیارت قبور...؛ حسنعلی نوروزی و همکاران | ۶۵

می‌شمارد (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق.، ج ۱: ۵۹). تفصیل دیدگاه صاحب المنار در ذیل چند عنوان بیان می‌گردد.

۱-۵. یکی‌پنداری توحید الوهی با عبادی

از مبانی اساسی رشیدرضا در زیر سؤال بردن اعمال مسلمان نسبت به زیارت قبور، باوری خاص به توحید عبادی و یکی‌پنداری آن با توحید الوهی است. صاحب المنار با تبعیت از ابن تیمیه (ر.ک؛ ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۵: ۲۴۷) و تفکرات سلفی گرایانه و هابیان (ر.ک؛ ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۸ ق.: ۸-۱۲)، اهمیت بسیاری برای توحید عبادی قائل است و توحید اساسی در نظر آنان، توحید عبادی یا الوهی است.

خلط بین توحید الوهیت و توحید عبودیت و عدم شناخت حد و مرز و رابطهٔ بین آن دو، از اشکالات اساسی سلفیان و رشیدرضا است. رشیدرضا با پندار یکی‌انگاری الوهیت و عبودیت می‌گوید:

«توحید الوهیت، سرلوحهٔ دعوت همهٔ پیامبران الهی، به‌خصوص اولین دعوت پیامبر اکرم (ص) بوده‌است؛ یعنی باید، فقط خدای سبحان عبادت شود و هیچ موجودی دیگری جز خدا و یا با خدا شریک عبادت او نگردد؛ چراکه قرآن به‌صراحت می‌فرماید: ﴿...أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم» (آل عمران / ۶۴). همچنین، قرآن از قول نوح پیامبر می‌فرماید: ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...﴾ ای قوم من خدا را پرستید. برای شما خدایی جز او نیست» (الأعراف / ۵۹) و کلمهٔ «الله»، معبودی است که مردم به وسیلهٔ دعا به او توجه می‌نمایند و فقط او را می‌خوانند» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ ق.، ج ۲: ۱۹۹).

رشیدرضا با تعریف عبادت به مطلق خضوع و تذلل که البته تعریف درستی است، توحید عبادی را به توحید الوهیت تفسیر می‌کند! (ر.ک؛ همان، ج ۷: ۴۵۴) و آیاتی را که بیانگر توحید الوهی می‌باشند، به توحید عبادی معنا می‌نماید و برعکس؛ چنان که می‌گوید: «الله، آن معبودی است که (مردم) به وسیلهٔ دعا و درخواست و خشوع و ویژه، با اعتقاد و احساس به سلطهٔ غیبی معبود، به او روی می‌آورند» (همان، ج ۱۲: ۱۹۹) و دربارهٔ آیهٔ ﴿وَاللَّهُمَّ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (البقره / ۱۶۳) می‌گوید: «أَيُّ وَإِلَهُكُمْ الْحَقُّ الْحَقِيقُ

بِالْعِبَادَةِ، إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ مُسْتَحَقُّ لَهَا إِلَّا هُوَ، فَلَا تُشْرِكُوا بِهِ أَحَدًا» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۵). با این تفسیر، مسلمانان را تکفیر می کند!

۲-۵. دوری اصحاب قبور (شیعیان) از توحید عبادی

رشیدرضا با کنایه زدن به شیعیان و نامگذاری آنان به «اصحاب قبور»، ضمن نامشروع خواندن هر گونه توجه و استعانت از غیر خدا، زیارت قبور را در حقیقت، عبادت غیر خدا خوانده است که با توحید الوهی (عبادی!) منافات دارد. وی می گوید:

«از آنجا که هر گونه سلطه غیبی و رای اسباب و علل طبیعی، فقط برای خداوند است؛ لذا حضرتش امر فرموده که فقط او را عبادت کرده، دست استعانت به سوی کسی دراز نکنیم... و هر کسی که در استعانت خود به غیر خدا توجه کند، به نوعی به عبادت بت‌هایی که در گذشته معمول بوده، پرداخته است... از اینجا فهمیده می شود همه اصحاب قبور که برای قضای حاجات، شفای دردها و برکت در اموال و برداشتن گره‌های زندگی به صاحبان قبور استمداد و استعانت می کنند، از مسیر حق و توحید دورند و از ذکر و یاد خداوند گریزانند» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۹ و نظیر آن در: رشیدرضا، بی تا: ۶۳-۶۴).

۳-۵. بدعت خواندن زیارت قبور

رشیدرضا از قول محمد عبده تأکید می کند که افزودن عقیده‌ای یا حکمی در دین، باید از روی علم و آگاهی و نیز مستند به کتاب و سنت صحیح باشد. سپس، وی موضوع توجه و زیارت نسبت به قبور و انجام کارهایی را که در این رهگذر صورت می پذیرد، بدعت می خواند و انجام چنین اعمالی را منکراتی شمرده که با نام دین وارد دین شده است و می گوید:

«هر کس عقیده، نظر و حکمی را خارج از قرآن و سخنان معصوم در دین وارد کند، به خداوند افترا بسته است؛ مانند زیارت قبور صالحان و انجام کارهای بدعت آمیز و منکری که به نام دین در آنجا انجام می گیرد. همچنین، وی شرکت در تشییع جنازه و صدا بلند کردن با نغمات معروف را تقبیح و غیر مشروع می شمارد» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۹۰).

صاحب المنار ذیل آیه شریفه ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّأَبْدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ...﴾ و نماز اقامه نکن بر هیچ یک از آنان، وقتی می‌میرند و بر قبرشان توقف منما...﴾ (التوبه/ ۸۴)، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «بعد از دفن میت، در کنار قبر او توقف کنید و برایش دعا کنید...». سپس می‌گوید فقها بر طبق این حدیث، فتوا داده‌اند. وی در ادامه تأکید می‌کند قیام در کنار قبر مؤمن، غیر از زیارت قبور است که این مسأله (زیارت قبور) از آیه برداشت نمی‌شود؛ گرچه روایات متعددی در بحث زیارت قبور، به لفظ زیارت وارد شده، ولی هیچ گاه به لفظ «قیام» نیامده است (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۵۷۳).

۵-۴. ممنوعیت برپایی مراسم در قبور

رشیدرضا در تفسیر آیه ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (البقره/ ۱۱۴)، با نقل قولی از استاد خود، محمد عبده می‌گوید:

«بر اساس دلالت آیه شریفه، حرمت و احترام همهٔ معابدی که در آن‌ها ذکر، تسبیح و نام خدا برده می‌شود، واجب است و هر گونه تلاش برای تخریب آن‌ها حرام است... بدیهی است طبیعت صلوات و ذکر خدای سبحان باعث دوری از معصیت، فحشا و منکر می‌گردد...، هرچند نمی‌توان، وقوع پاره‌ای از اعمال ناپسند و یا وجود برخی از اشیاء غیرمجاز را در مساجد منکر شد، لکن مهم این است که با اعمال خلاف شرع و بدعت آمیز در مساجد و معابد برخورد شود و تخریب معابد عاری از این امور جایز نیست... و همین مسئله، راز حکم اسلام در عدم برپایی معابد اهل کتاب و حرمت آن‌هاست... و در دین اسلام نیز تأییدی نسبت به اعمال مشرکانه و ثنیان و بت پرستان (مانند توجه به قبور و برگزاری مراسم خاص در اطراف آن و...) دیده نمی‌شود» (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۵۷۳).

وی ذیل آیه ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾ (الأنعام/ ۱۶۴)، به نقد عملکرد مسلمانان

دربارهٔ اهدای خیرات به اهل قبور پرداخته است (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ۲۶۸).

۵-۵. همانندی شیعیان با مشرکان و جواز تخریب قبور امامان شیعه

صاحب‌المنار با تفریع عمل برخی مسلمانان به اعمال مشرکان، در تخریب قبور امامان اهل بیت^(ع) می‌گوید:

«برخی از فقها گفته‌اند: انهدام و تخریب مساجد و بناهایی که روی قبور بسیاری از امامان معصوم و اهل بیت^(ع)، بزرگان فقه و برخی از صالحان و... ساخته شده، واجب است؛ چراکه در آنجا اعمال قبیح و منکرات فراوانی صورت می‌گیرد که برخی قطعاً شرک و گناه و برخی اعمال، بدعت‌اند...» (همان، ج ۱: ۴۳۲).

صاحب‌المنار با حمله به پیروان اولیا و بزرگان دینی و نیز تردید در اسلام برخی مسلمانان می‌گوید:

«به‌راستی بهره این گروه از دین چه مقدار است؟ کسانی که با تبعیت از برخی بزرگان و اولیا، اعتقادات سستی نسبت به آنان دارند و خیال می‌کنند که امر سعادت و شقاوت، مرگ و زندگی، غنا و فقر، دوا و درد و... به دست آنان است و هرچه دلشان می‌خواهد، انجام می‌دهند، آیا می‌توان این گروه را اهل اسلام و قرآن نامید؟» (همان، ج ۴: ۱۱۹).^۱

به نظر رشیدرضا، زیارت قبور عملی شرک آمیز و بدعت در دین بوده که با توحید منافات دارد و اصحاب قبور به سبب توجه به خرافات و اعمال ناشایست در قبور، همچون ایجاد بنا روی آن‌ها، از پذیرش حق و راه توحید گریزانند. از این رو، برخی فقها (مثل ابن تیمیه) انهدام و تخریب مساجد و بناهای روی قبور را برای انجام اعمال قبیح (= زیارت قبور) واجب می‌دانند!

۶. دیدگاه علامه طباطبائی درباره زیارت قبور

پس از آشنایی با دیدگاه رشیدرضا درباره زیارت قبور، اینک دیدگاه علامه طباطبائی در این بحث با چند عنوان زیر مرور می‌شود.

۱. بی تردید وجود این گونه سخنان در منابع تفسیری اهل سنت، دست‌مایه برخی از مزدوران استکباری و انسان‌های از خدا بی‌خبر و هابی می‌شود که اقدام به تخریب قبور مطهر و منور ائمه معصوم^(ع)، هتک حرمت اهل بیت پیامبر اکرم^(ص) و کشتن بی‌گناهان می‌کنند.

۱-۶. مشروعیت زیارت و بنای روی قبور

علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه ﴿...لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾: بر غار آن‌ها مسجدی (عبادتگاهی) خواهیم ساخت ﴿(الکهف / ۲۱)﴾، می‌گوید:

«این جمله، نقل کلام موحدان است. شاهدش آن است که گفتند "مسجدی" بنا کنیم و نگفتند "معدی". چون مسجد در عرف قرآن، محلی است برای ذکر خدا و سجده برای خداوند است و هرگز بتکده یا سایر معابد را مسجد نخوانده‌است» (طباطبائی، ۱۴۱۲ ق.، ج ۱۳: ۲۶۷).

اینکه علامه طباطبائی در تفسیر جمله مذکور، آن را سخن موحدان می‌داند، نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان و همهٔ موحدان، ساخت مسجد یا بنا روی قبور، امری مشروع و مجاز بوده‌است و در ادامه، برای نفی تطبیق غار کهف به غار افسوس می‌فرماید:

«جمله ﴿قَالَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَثَرِهِم لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾ ظاهر در این است که مردم شهر مسجدی بر بالای آن غار بنا کردند و افسوس اکنون اثری، حتی خرابه‌ای، از آن به چشم نمی‌خورد...» (طباطبائی، ۱۴۱۲ ق.، ج ۱۰: ۲۹۶).

علامه دربارهٔ آیه ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (التوبه / ۸۴) می‌گوید: «این آیه دلالت دارد بر اینکه رسول خدا^(ص) بر جنازهٔ مومنان نماز می‌خواند و در کنار قبورشان می‌ایستاد و طلب مغفرت و دعا می‌کرد» (طباطبائی ۱۴۱۲ ق.، ج ۹: ۳۹۶). وی اینچنین از مشروعیت و توجه مردم به زیارت قبور اولیا دفاع می‌کند.

۲-۶. زیارت قبور، مصداق شعائر الهی

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان به فلسفهٔ وجودی توجه شیعیان به حضرات ائمهٔ اطهار^(ع) می‌پردازد و دربارهٔ زیارت قبور می‌فرماید:

«...اگر مردم حضرات معصومین^(ع) را تعظیم می‌کنند و با زیارت قبورشان و بوسیدن ضریح آنان، اظهار محبت و علاقه می‌نمایند و یا به تربت آنان تبرک می‌جویند، برای این است که این اعمال را مصادیقی برای تعظیم شعائر الهی می‌دانند و در این اعمال، به آیهٔ

شریفه ﴿...وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (الحج/ ۳۲) و آیات دیگر و روایات سنت تمسک می‌جویند» (همان، ج ۱۰: ۲۹۵-۲۹۶).

در حقیقت، مسلمانان با انجام این گونه اعمال که حاکی از محبت و مودت نسبت به خاندان وحی و اهل بیت پیامبر^(ص) است، وسیله‌ای به درگاه خدا می‌برند و به امر خداوند عمل می‌نمایند؛ چراکه تعظیم شعائر الهی با اظهار محبت و مودت نسبت به آنان و بوسیدن ضریح و سایر مواردی که به نشانه مودت انجام می‌پذیرد، در سایه توسل و استشفاع، امکان‌پذیر است.

۳-۶. زیارت قبور، تجلی عبودیت حق تعالی

کسی که ائمه اطهار و اولیای الهی را مستقل در تأثیر بداند و یا با انجام چنین اعمالی، تبت عبادت و پرستش داشته باشد، محکوم به شرک است، لیکن انجام این اعمال از سوی مسلمانان، با تبت عبادت و پرستش انجام نمی‌گیرد و اتفاقاً همین نکته، فارق میان شرک و استشفاع است؛ زیرا مشرکان با واسطه قرار دادن بت‌ها و غیرخدا، آنان را سبب مستقل در تأثیر می‌پنداشتند و آن‌ها را عبادت می‌کردند، ولی مودت و محبت به اولیا، بوسیدن قبور امامان و تبرک به آن‌ها، از سوی مسلمانان هرگز با وجهه عبودیت نسبت به آنان انجام نمی‌گیرد، بلکه این تعظیم و محبت همواره با عبودیت خداوند قرین است، همان‌گونه که کعبه وجهه عبودیت همه مسلمانان است، نه اینکه کعبه معبود آنان باشد، در حالی که همه مسلمانان خدای متعال را روبه‌روی آن (و با توجه به کعبه) عبادت می‌کنند.

۴-۶. نقد علامه به رویکرد رشیدرضا و سلفیه

علامه در نقد تفکرات سلفیان تصریح می‌نماید:

«ای کاش، من می‌فهمیدم که این آقایان (صاحب‌المنار و وهابیت) درباره حجرالأسود و استحباب بوسیدن آن و دست مالیدن به آن را در اسلام چگونه توجیه می‌کنند و درباره خود کعبه چه می‌گویند؟ آیا طواف پیرامون کعبه و بوسیدن و استلام حجر، شرکی است که در اسلام استثناء شده است؟ یا حکم مسئله شرک از ضروریات عقلی است و قابل تخصیص و استثناء نیست و یا می‌گویند: این کار، فقط عبادت خداست

و (کعبه و) حجرالأسود، حکم طریق و جهت را دارند؟ اگر چنین است، چه فرقی بین سنگ کعبه و بین غیر آن است؟ اگر تعظیم غیرخدا بر وجه استقلال دادن به آن غیر نباشد و جنبهٔ پرستش نداشته باشد، چرا شرک شمرده شود؟ تمامی روایات و آیاتی که به طور مطلق به تعظیم شعائر الهی و تعظیم رسول اکرم^(ص) و دوست داشتن آن جناب و مودت با حضرتش و حب اهل بیتش و نیز مودت نسبت به آنان سفارش کرده‌اند و همچنین، سفارش‌های دیگری از این قبیل، سفارش‌هایی است که هیچ اشکالی در انجام آن‌ها نیست» (طباطبائی، ۱۴۱۲ق. ج ۱۰: ۲۹۶).

البته آن‌ها در پاسخ به استلام حجرالأسود می‌گویند: «چون پیغمبر اکرم^(ص) آن را بوسیده» (بخاری، ۱۴۱۰ ق. ج ۲: ۱۵۹)، ما هم پیروی می‌کنیم که در پاسخ باید گفت: «آیا مقصودتان این است که پیامبر^(ص) به شما اجازهٔ شرک به خدا را داده‌است، یا این مورد استثنا شده، نوعی شرک جایز است؟! قول حق آن است که چنین عملی اساساً شرک نیست و در راستای توحید و تقرب به خدا می‌باشد.

۷. تحلیل و نقد و بررسی

زیارت قبور از عقاید مسلم همهٔ فرق اسلامی است و هریک از دانشمندان فریقین، با تمسک به قرآن و روایات پیامبر اکرم^(ص) و سایر پیشوایان دینی، بر مشروعیت آن استدلال کرده‌اند و منافع و ثواب‌هایی را بر انجام این عمل برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها ضمن بررسی و تحلیل دیدگاه رشیدرضا و علامه طباطبائی ذکر می‌گردد.

۷-۱. تقابل اساسی دیدگاه رشیدرضا و علامه طباطبائی

صاحب المنار هیچ گونه استدلالی، اعم از عقلی یا نقلی، برای حرمت زیارت قبور ارائه نمی‌کند و فقط به بیان حکم آن اکتفا نموده‌است. رشیدرضا هرگونه توجه به غیرخدا را جدای از اسباب و علل طبیعی، اعم از شفاعت، توسل، استعانت، زیارت قبور و غیر آن را محکوم کرده، این گونه اعمال را بدعت و شرک می‌شمارد و پیروان و زیارت‌کنندگان قبور صالحان و اولیاء الهی را به انحراف از راه توحید و ذکر خدا متهم می‌کند. (رشیدرضا، ۱۴۱۴ ق. ج ۱: ۵۹ و همان، ج ۲: ۹۰). در مقابل صاحب تفسیر المیزان، با مشروع دانستن

زیارت قبور، بر لزوم بزرگداشت مقام اولیاء و زیارت قبورشان و... تأکید کرده است و این گونه اعمال را از مصادیق تعظیم شعائر الهی و اتخاذ وسیله به درگاه الهی می‌داند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰: ۲۹۵-۲۹۶) و آیات قرآن بر مشروعیت زیارت قبور استدلال می‌نماید.

صاحب تفسیر المنار، با یکی دانستن عمل برخی مسلمانان با اعمال مشرکان و بت پرستان، همان برخورد اسلام علیه مشرکان و بت پرستان را در حق مسلمانان و به تعبیر خودش (اصحاب قبور) تجویز می‌نماید و با نقل قول از برخی فقهای اهل حدیث و سلفی، رضایت مندی خود را نسبت به تخریب قبور اهل بیت^(ع) و برخی بزرگان و صالحان ابراز نموده است و با استنفهام انکاری، اسلام پیروان و متوسلان به اولیای الهی و قبور معصومین^(ع) را زیر سؤال می‌برد (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۴۳۲) و در مقابل، علامه طباطبائی به مشروعیت بنای قبور و جواز آن رأی داده است و آن را برخاسته از نگاه توحیدی می‌داند و به تبعیت، شیعیان از قرآن و سنت اهل بیت^(ع) و بزرگداشت مقام و تکریم قبور و مشاهد شریفه اهل بیت^(ع) تأکید کرده، این گونه ارادت و محبت را از مصادیق شعائر دینی و برگرفته از فرهنگ متعالی اسلام و قرآن می‌داند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰: ۲۹۶ و همان، ج ۱۳: ۲۶۷).

۲-۷. خلط بین توحید الوهیت و عبادت در تفسیر المنار

چنان که گفته شد، خلط بین توحید الوهیت و توحید عبودیت و نیز بی توجه به رابطه بین آن‌ها و انگیزه شیعیان از توجه به قبور، از عوامل تکفیر مسلمانان در باور به زیارت قبور است. رشیدرضا با تعریف عبادت به مطلق خضوع و تذلل، هر گونه توجه به غیر خدا را شرک می‌داند و توحید عبادی را به توحید الوهیت تفسیر می‌کند! (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۴۵۴). وی ارتباط معنوی با اولیای الهی را موجب شرک در الوهیت دانسته، می‌افزاید:

«کسانی که غیر خدا را می‌خوانند تا به وسیله آنان به خداوند نزدیک شوند و یا اینکه

آنان را در پیشگاه خداوند شفاعت کنند، در حقیقت، آنان را عبادت کرده‌اند و چنین

عملی موجب شرک در الوهیت خدا می‌شود. وی در توصیف توحید الوهی می‌گوید:
یعنی تنها خداوند که دارای همهٔ صفات کمال به طور مستقل است، مستحق عبادت است»
(همان: ۴۵۴).

این در حالی است که بین توحید عبادی و الوهی فرق است و یک معنای توحید الوهیت، یعنی موجود غنی بالذاتی است که واجد همهٔ کمالات و صفات جمال و جلال می‌باشد (ر.ک؛ ربانی گلپایگانی، ۱۴۲۰ ق.: ۱۰۱). توحید الوهیت، یعنی ذات و خدای واحدی که خدایی غیر آن نیست (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۹۸: ح ۸) و توحید ذاتی در اصطلاح رایج، یعنی خداوند یگانه است و هیچ مثل و همتایی ندارد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). از این رو، توحید الوهی مقسم سایر اقسام توحید، اعم از خالقیت، ربوبیت، مالکیت، رازقیت، ولایت، عبودیت می‌باشد و آیات متعددی از قرآن بر این معنا دلالت دارد؛ مانند:
﴿ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ﴾ (الأنعام / ۱۰۲)، ﴿هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَاتِي تُوفِكُونَ﴾ (الفاطر / ۳)، ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ (يونس / ۳)، ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ﴾ (الحشر / ۲۳)، ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (الحج / ۵۸)، ﴿وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾، ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (النحل / ۳۶).

چنان که ملاحظه می‌شود، در همهٔ این آیات و سایر مصادیق توحید افعالی، واژه «الله» و الوهیت مقسم سایر انواع توحید افعالی و عبادی قرار گرفته است. بنابراین، اولاً بین توحید الوهی و عبودی فرق است، ثانیاً هر گونه خضوعی، عبادت نیست و در وقتی که خضوع و تذلل در برابر موجودی به عنوان «اله» انجام شود، عبادت حاصل می‌شود (ر.ک؛ بلاغی، ۱۳۵۱ ق.، ج ۱: ۵۷)؛ به این معنا که اگر همین کرنش و خضوع در برابر فرد دیگری با صرف نظر از اعتقاد به «اله» بودن او انجام شود، عبادت محقق نمی‌شود. پس زیارت قبور و تکریم امامان معصوم^(ع) از سوی شیعیان، هرگز با اعتقاد به الوهیت و عبودیت آنان انجام نمی‌شود، تا عملی شرک آمیز تلقی شود.

با توجه به موضع گیری تند رشیدرضا نسبت به عقاید و اعمال شیعیان، مانند مخالفت با زیارت قبور و بدعت خواندن عمل مسلمانان، کاش علامه طباطبائی در دفاع از اعتقادات

شیعه درباره زیارت قبور، همانند بسیاری از مسائل اعتقادی دیگر مانند، توحید (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۶ ق.: ۲۶۸-۳۲۶) و شفاعت (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۲ ق.، ج ۱: ۱۵۷)، واکنش جدی تری نشان می‌داد، به ویژه که رویکرد ایشان در برخی اظهارنظرهای اعتقادی، ناظر به تفسیر المنار بوده است (ر.ک؛ همان: ۱۵۴-۱۵۷). این امر، توقع را دوچندان می‌نماید؛ چنان که برخی از شاگردان برجسته وی (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ج ۱: ۲۰۰ و سبحانی، ۱۳۷۶: ۱۰۶-۱۳۶)، به مسئله یادشده و مسائل مشابه آن، به تفصیل پرداخته‌اند.

۳-۷. آیات ناظر بر جواز زیارت و بنای بر قبور

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که از آن‌ها می‌توان جواز زیارت و بنای بر قبور را استفاده کرد و روایات و شواهد تاریخی فراوانی از سیره پیامبر اعظم (ص) درباره آن وجود دارد که به اختصار به چند مورد زیر اشاره می‌شود.

الف. در سوره کهف، بعد از جریان قصه اصحاب کهف، مردم در موضع گیری نسبت به آن‌ها به دو دسته تقسیم شدند؛ گروهی بر آن بودند که بر آن غار بنیانی ساخته شود و عده‌ای دیگر از مؤمنان اظهار داشتند که روی قبر آن‌ها مسجدی را بنا کنند: ﴿فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا﴾ (الکهف/ ۲۱).

به گفته بسیاری از مفسران قرآن، از اینکه گروهی پیشنهاد ساختن مسجد داده‌اند، معلوم می‌شود که آنان موحد و مسلمان بودند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۰۶ ق.، ج ۶: ۳۲۸؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۱۲ ق.، ج ۳: ۱۰۹؛ البغوی، ۱۴۲۰ ق.، ج ۵: ۱۶۱ و طبری، ۱۴۱۲ ق.، ج ۸: ۲۰۲). لذا طبعاً ساختن مسجد روی قبور اصحاب کهف، برای آن است که مردم به طور دائم بر آن وارد شوند و در آنجا عبادت کنند و مرقد اصحاب کهف مزار گردد؛ چنان که برخی از مفسران یادشده بدین امر بر (مزار شدن قبور اصحاب کهف) تصریح کرده‌اند.

ب. از مفهوم آیه شریفه ۸۴ سوره توبه که می‌فرماید: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ...﴾ (التوبه/ ۸۴)، چنین به دست می‌آید که زیارت قبور مؤمنان،

ایستادن کنار قبورشان و دعا کردن برای آن‌ها جایز است؛ زیرا نهی درآیه، مخصوص منافقان است؛ چنان‌که بسیاری از مفسران اهل سنت، برخلاف ادعای رشیدرضا به این معنا تصریح نموده‌اند و برآنند که آیه ﴿...وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ...﴾ درصدد شکستن شخصیت منافقان و مبارزهٔ منفی نسبت به رفتار آنان است. بدین روی، خداوند پیامبر^(ص) را از حضور در وقت دفن منافق و یا توقف هنگام زیارت قبور آنان منع کرده‌است و از این نهی معلوم می‌شود که توقف برای زیارت قبور مؤمن و مسلمان مشروع است و اشکالی ندارد (ر.ک؛ بیضاوی، ۱۴۳۲-۱۴۳۳، ج ۳: ۱۶۳؛ آلوسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۰: ۱۵۵ و بروسوی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳: ۴۷۸).

ج. از محتوای برخی آیات، تشویق به مهاجرت به سوی پیامبر اکرم^(ص) به دست می‌آید؛ مثل: ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ: و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او از خانه‌اش به در آید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خداست﴾. یا توجه به روایت پیامبر^(ص) که فرمود: «زیارت کردن بعد مرگم، همانند زیارت در زمان حیاتم خواهد بود» (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۵۶۹)، مشروعیت جواز زیارت به دست می‌آید.

د. در قرآن، خداوند بارها از پیامبران خود خواسته که همواره یاد و خاطرهٔ بزرگمردانی را که در راه حق و حقیقت تلاش کرده‌اند، زنده نگه دارند؛ آنانی که با مجاهدت و مقاومت، راه توحید و هدایت را به دیگران نشان داده‌اند؛ مانند: ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾ (مریم / ۱۶) و ﴿وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ (ص / ۴۵). از این آیات می‌توان به نوعی مشروعیت زیارت قبور اولیا، بزرگان دین و صالحان را که بدین وسیله از آن‌ها یادی می‌شود، به دست آورد.

۷-۴. روایات و شواهد تاریخی دال بر جواز زیارت اهل قبور

زیارت مسجد و قبر پیامبر اکرم^(ص) از مهم‌ترین وسایل تقرب به سوی خداست و این، مورد اجماع تمام مسلمانان جز ابن تیمیه (و سلفیه) است (ر.ک؛ بوطی، ۱۴۴۱ ق.: ۵۶۰) و علاوه بر آیات قرآن، شواهد تاریخی و روایات بسیاری از فریقین بر مشروعیت زیارت دلالت دارند که به مواردی از آن‌ها نیز اشاره می‌گردد.

در صحیح مسلم آمده است: «زَارَ النَّبِيَّ^(ص) قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَ أَبْكَى مَنْ حَوْلَهُ فَقَالَ^(ص)... فَرُورَ الْقُبُورِ فَإِنَّهَا تَذَكَّرُ الْمَوْتَ» (نیشابوری، ۱۴۰۷ ق.: ۴۴۳؛ ابوداود، ۱۹۵۳ م، ج ۲؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۱۳۹۰: ۱۹۵).

نووی در شرح این حدیث می‌نویسد:

«این حدیث در بسیاری از کتب اصول حدیثی آمده است و تمام راویانش ثقه هستند. پس این حدیث بدون تردید، صحیح است... و علما اجماع دارند که زیارت قبور برای مردان سنت است و اما زیارت قبور درباره زنان اختلاف است که بعضی قائل به تحریم، بعضی طرفدار حکم کراهت و برخی نیز بر اباحت آن فتوا داده‌اند...» (نیشابوری، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۴۴-۴۷).

فخر زاری در رساله‌ای درباره زیارت قبور، به فواید متعدد زیارت از جهات مختلف اشاره نموده است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۳۷۶: ۲۲). عبدالله بن عمر از رسول اکرم^(ص) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَتَعْمَلَهُ إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُكُونَ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (امینی، بی تا، ج ۵: ۱۴۷).

پژوهنده بزرگ، علامه امینی، این حدیث را از شانزده نفر از محدثان و حفاظ اهل سنت نقل کرده است. همچنین، آورده است که چهل و یک نفر از بزرگان اهل سنت، از عبدالله بن عمر نقل کرده‌اند که پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعت من بر او واجب می‌شود (ر.ک؛ همان: ۱۴۳). وی در روایت دیگری از آن حضرت نقل می‌کند: «مَنْ حَجَّ، فَرَّارَ قَبْرِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي» (همان: ۱۵۰). وی حدود بیست روایت دیگر نیز از منابع اهل سنت نقل نموده است (ر.ک؛ امینی، بی تا، ج ۵: ۱۴۳). سمهودی شافعی مذهب (م. ۹۱۱ ق.) در کتاب خود، به تفصیل به بحث زیارة النبی

پرداخته‌است و نه تنها ادلهٔ ابن تیمیه را در نفی زیارت قبور مردود دانسته، بلکه زیارت قبر نبی مکرم^(ص) را در مدینه سنت می‌شمارد (ر.ک؛ سمهودی، ۱۴۰۴ ق.:. ۱۳۳۶-۱۳۷۱). جای تعجب است که صاحب‌المنار به پیروی از وهابیت و ابن تیمیه، زیارت قبور و اعمال مسلمانان را ناپسند و بدعت آمیز می‌شمارد، در حالی که هیچ دلیلی قابل اعتنا و محکمی از کتاب یا سنت و عقل بر منع آن ارائه نمی‌دهد و در مقابل، دلایل بسیاری بر مشروعیت آن‌ها وجود دارد و می‌توان گفت که این گونه اظهارنظرها ریشه در سوءبرداشت و تبعیت کورکورانه و متعصبانه دارد!

مسئلهٔ زیارت قبور و انجام مراسم و برخی تشریفات پیرامون آن، در حالی از سوی رشیدرضا رد می‌شود که علاوه بر مؤیدات قرآن، منابع روایی و تاریخی بسیاری از فریقین که مورد قبول صاحب‌تفسیرالمنار است، بر مشروعیت آن دلالت دارد. البته برخی از کارهای ناروایی که در مجالس اهل بیت^(ع)، اعم از مساجد، تکایا و قبور اولیا از سوی برخی مسلمانان جاهل انجام می‌گیرد، به هیچ وجه مورد تأیید نیست و شاید همین گونه اعمال باعث عکس‌العمل شدید صاحب‌المنار، وهابیت و طرفداران ایشان شده‌است که البته نگاه آنان نسبت به موضوع واقع‌بینانه نیست و با تعصب خاص و افراطی‌گری همراه است.

رشیدرضا مطابق دیدگاه ابن تیمیه و وهابیت موضع‌گیری کرده‌است و بر عدم مشروعیت آن تأکید می‌کند، البته عمدهٔ دلیل وهابیت و ابن تیمیه بر عدم مشروعیت زیارت قبور، حدیث ابوهریره از پیامبر اکرم^(ص) است که در منابع اصلی اهل سنت، از جمله در کتاب صحیح بخاری و مسلم آمده‌است (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۱۰ ق.، ج ۲: ۲۰ و ۵۷ و مسلم، ۱۴۰۷ ق.، ج ۴: ۱۲۷) که آن حضرت^(ص) فرمودند: «لَا تَشُدُّ الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ؛ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْأَقْصَى وَ مَسْجِدِي هَذَا». متن این حدیث به صورت‌های مختلفی نقل شده که سبکی شافعی همهٔ آن‌ها را در کتاب *شفاء السقام* (صفحه ۹۷ به بعد) آورده‌است و البته در روایات ما نیز مشابه آن آمده‌است که می‌فرماید: «لَا تَشُدُّ الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ

مَسَاجِدِ الْحَرَامِ، مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ^(ص) وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ» (مجلسی، بی تا، ج ۸۰: ۳۷۹).

حدیث ابوهریره صرف نظر از اشکال سندی، از جهات مختلف دلالتی هم قابل استناد نیست؛ زیرا:

الف) «شَدَّ الرَّحَالَ»، کنایه از «سفر کردن» و تعبیری عام است که شامل سفرهای کوتاه و طولانی می شود، در حالی که در روایات فراوانی از عبدالله بن عمر و دیگران نقل شده که پیامبر اعظم^(ص) روزهای شنبه سواره و پیاده به مسجد قبا می رفت و در آنجا دو رکعت نماز می خواند (ر.ک؛ مسلم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۱۲۷ و سمهودی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۶). در روایتی هم ثواب یک رکعت نماز در آنجا معادل یک عمره دانسته شده است (ر.ک؛ کاظمی، ۱۳۷۶: ۳۵).

بدیهی است که این کار پیامبر اکرم^(ص) برخلاف حصر مذکور در روایت «شَدَّ الرَّحَالَ» است و جواز «شَدَّ الرَّحَالَ» به مساجد دیگر، از خصایص النبی^(ص) نبوده است؛ چراکه عبدالله بن عمر نیز پیوسته چنین می کرد (ر.ک؛ مسلم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۱۲۷).

طلحة بن عبدالله می گوید: «با پیامبر^(ص) از مدینه بیرون آمدیم و عازم زیارت قبور الشهداء شدیم. وقتی به مزار آنان رسیدیم، پیامبر^(ص) فرمود: اینها قبور برادران ماست» (ابوداود، ۱۹۵۳ م، ج ۱: ۳۱۳).

ب) درباره مستثنی منه حدیث «لا تشدَّ الرَّحَالَ»، دو احتمال وجود دارد که در هر دو صورت، بر مدعای ابن تیمیه و وهابیت دلالت نمی کند، تا رشیدرضا بدان استناد کند؛ زیرا اگر مستثنی منه «إلی مکان» باشد، معنایش این می شود که مسافرت کردن به هیچ مکانی جایز نیست، مگر همان سه مسجد. این تقدیر هرگز صحیح نخواهد بود؛ زیرا لازمه آن، حرمت هر نوع سفری است، اگرچه به قصد زیارت هم نباشد، در حالی که هیچ کس فتوا به حرمت سفرهای سیاسی، سیاحتی، تجاری و اقتصادی و... نداده است. اما اگر مستثنی منه «إلی مسجدٍ مِنَ الْمَسَاجِدِ» باشد؛ یعنی «لا تشدَّ الرَّحَالَ إلی مسجدٍ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا ثَلَاثَةً مَسَاجِدٍ»، گرچه این تقدیر مناسب مستثنی است، لیکن دلیل برای حرمت زیارت قبور

نمی‌شود؛ زیرا قبور پیامبر اعظم^(ص)، اولیاء و صالحین جزو مسجد نیستند و حدیث در این صورت به سفرهایی که مربوط به مساجد نباشد، نظر ندارد.

ج) اگر روایت، سند درستی داشته باشد، باز دلالت بر حرمت سفر نمی‌کند، بلکه تنها ارشاد به این است که سفر برای رفتن به غیر از مساجد سه‌گانه مذکور، سفری بی‌فایده است؛ چراکه مسجد در هر شهری وجود دارد و مساجد دنیا تقریباً نسبت به یکدیگر مساوی هستند و شدّ رحال به سوی یکی از آنها ضرورتی ندارد؛ چنان‌که عالم بزرگ اهل سنت، ابوحامد غزالی که مورد عنایت و علاقهٔ وافر مؤلف المنار (رشیدرضا) است، چنین اظهارنظری نموده‌است و در مواردی از تفسیر المنار، تأثیرپذیری رشیدرضا از ابوحامد غزالی کاملاً مشهود است (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۱۹۹-۲۰۲ و ۲۳۰). وی بعد از اظهار تعجب از فتوای برخی علما مبنی بر منع سفرهای زیارتی، می‌گوید: «بدون تردید زیارت، مورد سفارش، دستور و عبادت مستحب است» (غزالی، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۴). با این حدیث، هرگز نمی‌توان تحریم سفر به سوی سایر مساجد را ثابت کرد؛ زیرا لسان حدیث، لسان ارشاد و راهنمایی است (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۲۴۷).

د) بر فرض صحت سند روایت «شدّ رحال»، چنان‌که در روایات ما نیز احادیث مشابهی دیده می‌شود، مانند «لَا تَشُدُّ الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدٍ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ^(ص) وَ الْمَسْجِدِ الْكُوفَةِ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۰: ۳۷۹)، وقتی این روایت را با سایر روایاتی که فضائلی را برای دیگر مساجد اثبات می‌کند (مانند مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد برائث در بغداد و...) (ر.ک؛ ابن‌قولویه، ۱۳۷۸: ۷۰) مقایسه شود، معلوم می‌شود که مفاد این روایت به معنای اثبات کمال برتری برای مساجد سه‌گانه است، ضمن آنکه مساجد دیگر نیز فضایل مخصوص خود دارند و سفر نمودن برای درک فضیلت ثواب آنها ممدوح است و در حقیقت، این روایت مانند روایت «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ...» است که اشاره به نفی کمال از نماز خواندن در خانه دارد، نه اینکه نماز خواندن در خانه صحیح نباشد (برای اطلاع بیشتر از چگونگی بررسی این حدیث و احادیث مشابه، ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۶۹-۷۷).

ابن تیمیه و وهابیت خود را پرچم دار توحید می‌پندارند و با همین شعار (حرمت شد رحال)، چماق تکفیر را بر سر سایر فرقه‌های اسلامی، حتی گروه‌های مختلفی از اهل سنت می‌کوبند، در حالی که دلیل آن‌ها بر مدعایشان دلالت ندارد؛ چنان‌که چنین دیدگاه افراطی، همواره با اعتراض علمای اهل سنت همراه بوده و موضع‌گیری جدی دانشمندان معروف اهل سنت همچون ابن حجر عسقلانی و ذهبی شد (ر.ک؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۶۶ و ذهبی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴: ۴۸۴) و تقی‌الدین سُبکی در رد آرا و اندیشه‌های ابن تیمیه کتاب‌های متعددی نوشت که از آن جمله می‌توان به کتاب *شفاء السقام فی زیارت خیر الأنام* اشاره کرد. رشیدرضا که با شعار اصلاح‌گری و میدان دادن به عقل در تفسیر آیات قرآن همت گماشت، در این امور برخلاف شیوه مذکور مشی، و از دیدگاه وهابیت و ابن تیمیه تبعیت می‌کند.

نتیجه‌گیری

از نتایج این تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- زیارت واقعی عینی و خارجی دارد که مورد قبول همه فرق و مذاهب اسلامی است و آثار و برکات وجودی فراوانی دارد.
- ۲- قرآن کریم نه تنها با ساخت بنا و مسجد روی قبور مخالفتی ندارد، بلکه از برخی آیات نیز جواز آن به دست می‌آید و پیامبر اکرم^(ص) نیز در عمل بر انجام زیارت قبور تأکید داشتند و آن را حرام و بدعت ندانسته‌اند.
- ۳- زیارت حرم و قبر پیامبر اعظم^(ص) برخلاف رویکرد سلفیه و رشیدرضا، نه تنها حرام نیست، بلکه مورد اجماع فرق اسلامی است و سیره قطعی و روایات متواتری از شیعه و سنی بر جواز آن وجود دارد.
- ۴- نویسنده تفسیر *المنار* با الهام از اعتقادات ابن تیمیه و سلفی‌گری، صراحتاً اعمالی مانند زیارت اهل قبور و اهدای اعمال خیر به اموات و امثال آن را بدون سبقه شرعی و نوعی شرک در عبادت می‌دانند، در حالی که زیارت قبور، توسل و سایر اعمال یادشده که

رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا دربارهٔ زیارت قبور...؛ حسنعلی نوروزی و همکاران | ۸۱

از بین تمام فرق اسلامی به طرق مختلف دارای سبقه است، در راستای عبودیت خدا و از مصادیق ذکر خدا و شعائر الهی هستند.

۵- به نظر می‌رسد دیدگاه رشیدرضا نه برگرفته از قرآن و سنت، بلکه در راستا و متأثر از طرح‌های شکست‌خوردهٔ بنی‌امیه در عداوت با اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است. در حقیقت، این گروه می‌خواهند مزعوماتی را به عنوان عقیدهٔ ناب اسلامی ترویج کنند که نتیجهٔ آن، فاصله گرفتن مردم از یاد و فرهنگ اهل بیت (ع) خواهد بود.

تعارض منافع


تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID


Hassan Ali Norouzi
Azaraki

 <https://orcid.org/0000-0002-5370-3936>

Ali Asghar Shuai

 <https://orcid.org/0000-0001-9502-4686>

Hossein Moghaddas

 <https://orcid.org/0000-0003-2496-2354>

منابع

قرآن کریم.

آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین محمود. (۱۴۰۵ ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. ط ۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۰۸ ق.). فتح الباری بشرح صحیح البخاری. ج ۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن فارس، احمد. (۱۴۱۴ ق.). معجم اللغة. تصحیح ابو عمر. بیروت: دار الفکر.

_____. (۱۴۰۴ ق.). معجم مقاییس اللغة. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.

ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۷۸). کامل الزیارات. قم: نشر الفقاهة.

ابوحيان اندلسی، محمدبن يوسف. (۱۴۱۲ ق.). *البحر المحيط*. بيروت: دار الفكر.
امينی، عبدالحسين. (بی تا). *الغدیر فی الكتاب والسنة والأدب*. ط ۱. قم: تحقیق مرکز الغدیر
لدراسات الإسلامية.

بخاری، محمدبن اسماعیل. (۱۴۱۰ ق.). *الصحيح*. ط ۲. قاهره: وزارت اوقاف مصر.
بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق.). *معالم التنزیل (تفسیر البغوی)*. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
بوطی، محمدسعید رمضان. (۱۴۴۱ ق.). *فقه السيرة النبوية*. دمشق: دار الفكر.
بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۳۳-۱۴۳۲ ق.). *تفسیر بیضاوی*. بيروت: دار الفكر.
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). *ادب فنای مقریان*. چ ۱. قم: چاپ مرکز نشر اسراء.
_____ . (۱۳۹۳). *توحید در قرآن*. چ ۷. قم: چاپ مرکز نشر اسراء.
جوهری، اسماعیل بن حمّاد. (۱۳۶۸). *الصحاح اللغة*. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. تهران: امیری.
حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*. تحقیق یوسف عبدالرحمن
المرعشلی. بيروت: دار المعرفة.

حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۱۶ ق.). *وسائل الشیعه*. تحقیق مؤسسه آل البيت. چ ۳. قم: چاپخانه
ستاره.

حقی بروسوی، اسماعیل. (۱۴۰۵ ق.). *روح البیان*. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
ذهبی، شمس الدین محمد. (۱۴۱۷ ق.). *سیر أعلام النبلاء*. چ ۱. بيروت: دار الفكر.
رازی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۶). *شرح و تحقیق زیارت القبور فخر رازی (فلسفه زیارت)*. ترجمه
احمد عابدی. چ ۱. قم: انتشارات زائر.

ربانی گلپایگانی، علی. (۱۴۲۰ ق.). *الإلهیات فی مدرسة أهل بیت*. چ ۱. تهران: بی نا.
رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. بيروت: دار المعرفة.
_____ . (بی تا). *السنة والشیعه*. بی جا: بی نا.

زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بی جا: بی نا.
سبحانی، جعفر. (۱۳۷۶). *آیین وها بیت*. چ ۸. قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی.
سبکی، علی بن عبدالکافی. (۱۴۱۹ ق.). *شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام*. چ ۴. تهران: نشر مشعر.

رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا درباره زیارت قبور...؛ حسنعلی نوروزی و همکاران | ۸۳

- سمهودی، نورالدین علی بن احمد. (۱۴۰۴ ق.). *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى*. تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۴ ق.). *الدرّ المنثور*. بیروت: دار الفکر.
- شرتونی، سعید الخوری. (۱۴۰۳ ق.). *أقرب الموارد*. قم: مكتبة المرعشی.
- صدوق، ابوجعفر محمد. (۱۳۹۸). *التوحيد*. تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی. چ ۶. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۲ ق.). *الميزان فی تفسیر القرآن*. چ ۵. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _____ . (۱۴۱۶ ق.). *نهاية الحكمة*. چ ۱۰. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۶ ق.). *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار التراث العربی.
- _____ . (۱۴۰۶ ق.). *مجمع البيان لعلوم القرآن*. تحقیق محلاتی و طباطبائی. بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق.). *جامع البيان عن تأویل آئی القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۵ ق.). *مجمع البحرين*. چ ۱. تهران: نشر مؤسسه بعثت.
- غزالی، ابوحامد. (بی تا). *احیاء العلوم*. دمشق: عالم الکتب.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق.). *مصباح المنیر*. چ ۳. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- کاظمی، سید محمد مهدی. (۱۳۷۶). *تحفة الساجد فی أحكام المساجد*. بغداد: بی تا.
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا). *بحار الأنوار*. تهران: بی تا.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۰۷ ق.). *صحیح*. بشرح النووی. بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ . (۱۴۱۶ ق.). *صحیح مسلم*. بیروت: دار ابن حزم و مؤسسه الریان.
- واعظ جوادی، مرتضی. (۱۳۹۶). *فلسفه زیارت و آیین آن*. چ ۸. قم: مرکز نشر اسراء.

Reference

The Holy Qur'an.

Abu Hayyan Andolosi, Mohammad ibn Yousuf. (1991). *Al-Bahr al-Mohit*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].

Alousi Baghdadi, Shahab al-din Mahmud. (1984). *Rouh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim va Sab'a al-Masani*. 4th. Beirut: Dar Ehya Toras Arabi. [In Arabic].

- Amini, Abdol Hossein. (ND). *Al-Ghadir fi al-Ketab, Sunnah and al-Adab*. 1th. Qom: Al-Ghadir Research Center for Islamic Studies. [In Persian].
- Baghvi, Hossein ibn Masoud. (1999). *Ma'alem al-Tanzil (Tafsir al-Baghwi)*. Beirut: Dar Ehya Toras Arabi. [In Arabic].
- Beizawi, Abdullah ibn Omar. (2010-2011). *Tafsir-e Beizawi*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Bukhari, Mohammad ibn Isma'il. (1989). *Al-Sahih*. 2th. Cairo: Ministry of Endowments of Egypt. [In Arabic].
- Bouti, Mohammad Saeed Ramazan. (2019). *Fegh al-Sirat al-Nabawiyah*. Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Fayyumi, Ahmad ibn Mohammad. (1993). *Mesbah al-Monir*. 3th. Qom: Dar al-Hejrah Institute. [In Persian].
- Ghazzali, Abu Hamid. (ND). *Ehya al-Oloum*. Damascus: Alam al-Kotob. [In Arabic].
- Haghi Brosavi, Isma'il. (1984). *Rouh al-Bayan*. Beirut: Dar Ehya Toras Arabi. [In Arabic].
- Hakem Neyshabouri, Abo Abdullah. (ND). *Al-Mostadrak a'la al-Sahihayen*. Yousof Abdulrahman al-Marashli's Research. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- Horr-e Ameli, Mohammad ibn Hasan. (1995). *Wasa'el al-Shi'a*. Research by 'Al al-Bayt Institute. 3th. Qom: Setareh Publication. [In Persian].
- Ibn Fares, Ahmad. (1993). *Mojmal al-Loghat*. Corrected by Abu Omar. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- . (1983). *Mo'jam-e Magha'is-e Loghat*. By Abdulsalam Mohammad Haroun. Qom: School of Islamic Sciences. [In Persian].
- Ibn Hojr Asqhlani, Ahmad ibn Ali. (1987). *Fath al-Bari be Sharh-e Sahih al-Bukhari*. 4th. Beirut: Dar Ehya Toras Arabi. [In Arabic].
- Ibn Qolowayh, Jafar ibn Mohammad. (1967). *Kamel al-Ziyarat*. Qom: Al-Fiqahah Publishing Institute. [In Persian].
- Javadi Amoli, Abdullah. (1952). *Adab-e Fanay-e Mogharraban*. 1th. Qom: Esra Publishing Center. [In Persian].
- . (2013). *Towhid Dar Qur'an*. 7th. Qom: Esra Publishing Center. [In Persian].
- Johari, Isma'il ibn Hammad. (1948). *Al-Sehah al-Loghat*. Ahmad Abdul Ghafour Attar's Research. Tehran: Amiri. [In Persian].

- Kazemi, Seyyed Mohammad Mehdi. (1956). *Tohfat al-Sajed fi Ahkam al-Masajed*. Baghdad: NP. [In Arabic].
- Majlesi, Mohammad Bagher. (ND). *Behar al-Anwar*. Tehran: NP. [In Persian].
- Neyshabouri, Moslem ibn Hajjaj. (1986). *Sahih be Sharh-e Nouwi*. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi. [In Persian].
- . (1995). *Sahih-e Moslem*. Beirut: Dar ibn Hazm and al-Rayyan Institute. [In Persian].
- Razi, Fakhr al-din Mohammad. (1956). *Sharh va Tahghigh-e Ziyarat al-Ghobour Fakhr-e Razi (Falsafeh-e Ziyarat)*. Translated by Ahmad Abedi. 1th. Qom: Za'er Publications. [In Persian].
- Rabbani Golpayegani, Ali. (1999). *Elahiyat fi Madresat-e Ahl-e Beyt*. 1th. Tehran: NP. [In Persian].
- Rashidreza, Mohammad. (1993). *Tafsir al-Qur'an al-Azeim*. Beirut: Dar al-Marefah. [In Arabic].
- . (Nd). *Sunnah and Shi'a*. Op: Np. [In Arabic].
- Sadough, Abu J'afar Mohammad. (2018). *Al-Tawheed*. By Seyyed Hashem Hosseini Tehrani. 6th. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Persian].
- Sajestani, Soleiman ibn Ash'ath. (1953). *Al-Sonan*. Edited by Mohammad Mohyeddin Abdulhamid. Cairo: ND. [In Arabic].
- Samhoudi, Nooruddin Ali ibn Ahmad. (1983). *Wafa al-Wafa be Akhbar al-Mostafa*. The Research of Mohammad Mohyeddin Abdulhamid. Beirut: Dar Ehiya al-Toras al-Arabi. [In Arabic].
- Shartouni, Saeed al-Khoury. (1982). *Aghrab al-Mawared*. Qom: Al-Mar'ashi School. [In Persian].
- Seyouti, Jalaluddin. (1993). *Al-Dorr al-Mansour*. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Sobhani, Jafar. (1997). *Aein-e Wahabism*. Qom: Printing House of Islamic Publications Office. [In Persian].
- Sobki, Ali ibn Abd al-Kafi. (1998). *Shafa al-Seqham fi Zeyarat-e Khair al-Anam*. 4th. Tehran: M'ashar Publishing. [In Persian].
- Tabataba'i, Mohammad Hossein. (1991). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. 5th. Qom: Isma'ilian Institute. [In Persian].
- . (1995). *Nahayat al-Hekmat*. 10th. Qom: Al-Nashr al-Islami Publishing Institute. [In Persian].

- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1991). *Jame al-Bayan fi Tafsir-e Ayyah al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiyah. [In Arabic].
- Tabresi, Fazl ibn Hasan. (1985). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Toras al-Arabi. [In Arabic].
- (1995). *Majma al-Bayan le Oloum al-Qur'an*. Research of Mahallati and Tabataba'i. Beirut: Dar al-Marafah. [In Arabic].
- Tarihi, Fakhruddin. (1995). *Majma al-Bahrain*. 1th. Tehran: B'esat Institute Publishing. [In Persian].
- Zahabi, Shamsuddin Mohammad. (1997). *Seir-e 'Aalam al-Nobala*. 1th. Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic].
- Zobeidi, Mohammad Morteza. (ND). *Taj al-Arous men Jawaher al-Qamous*. OP: Np. [In Arabic].
- Va'ez Javadi, Morteza. (2016). *Falsafeh-e Ziyarat va Aein-e 'An*. 8th. Qom: Esra Publishing Center. [In Persian].

استناد به این مقاله: نوروزی آزارکی، حسنعلی، شعاعی، علی اصغر و مقدس، حسین. (۱۴۰۱). رویکردی انتقادی به دیدگاه رشیدرضا درباره زیارت قبور در مقارنه با دیدگاه علامه طباطبائی، دوفصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۳ (۴۴)،

۵۷-۸۶.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.65461.1792



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.